

اثر خطای زیان دیده بر رجوع نهاد تامین اجتماعی

محسن ایزانلو*

استادیار گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۶/۴ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۷/۷/۱۵)

چکیده:

در فرضی که وقوع حادثه، ناشی از تقصیر شخص ثالث باشد، نهاد تامین اجتماعی می‌تواند پس از جبران خسارت زیان‌دیده به واردکننده زیان مراجعه کند. موضوع این مقاله شیوه اعمال این حق رجوع در صورت تقسیم خسارت میان زیان‌دیده و واردکننده زیان به دلیل تقصیر مشترک است. بر اساس برخی سیاست‌ها در چنین حالتی تامین اجتماعی می‌تواند تا میزان کامل مسولیت شخص ثالث به او رجوع کند. این راه‌حل که تقدم را به نهاد تامین اجتماعی می‌دهد، به شدت از حق جبران خسارت زیان‌دیده می‌کاهد. به عقیده نگارنده نهاد تامین اجتماعی به نسبت مسولیت شخص ثالث به او حق رجوع دارد. به علاوه، چنانچه واردکننده زیان به جبران اقلام مختلف خسارات (خسارات وارد به اموال، خسارت معنوی، خسارت بدنی...) محکوم شده باشد، رجوع تامین اجتماعی تابع یک محدودیت دوگانه است: تامین اجتماعی فقط از محل آن قسمت از دین مسولیت مدنی که آنرا جبران کرده است، آن هم به نسبت مسولیت شخص ثالث، به او حق رجوع دارد. قواعد یاد شده در فرض محکومیت مسوول حادثه به پرداخت دیه هم قابل اجرا است.

واژگان کلیدی:

خسارت بدنی، دیه، خطای زیان‌دیده، رجوع، مزایای تامین اجتماعی، حق تقدم.

طرح بحث

۱- مقدمه نخست - خطای زیان دیده در مسوولیت مدنی وقتی سبب اصلی حادثه باشد، او را به طور کامل از دریافت خسارت محروم می‌کند (کاتوزیان، ش ۱۳۸). اما بنا بر قاعده، در چنین فرضی خسارت میان واردکننده زیان و زیان دیده تقسیم می‌شود. اختلاف در معیار تقسیم خسارت است: برخی قوانین ما (ماده ۱۶۵ قانون دریایی) درجه تقصیر را معیار تقسیم قرار داده‌اند؛ برخی دیگر از قوانین (ماده ۱۴ قانون مسوولیت مدنی) به تقسیم مسوولیت براساس نحوه مداخله حکم کرده‌اند. اما قاعده حقوق ایران، تقسیم مسوولیت براساس تساوی است (مواد ۳۳۶ و ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی) (همان؛ جنیدی، ص ۵۰ و بعد؛ Honoré, n. 144ss).

۲- مقدمه دوم - نهاد تامین اجتماعی می‌تواند پس از جبران خسارت زیان‌دیده به وارد کننده زیان رجوع کند (ماده ۶۶ قانون تامین اجتماعی)^۱. اما محل رجوع این نهاد همه دین مسوولیت مدنی نیست: خساراتی که در مسوولیت مدنی به آن حکم داده می‌شود شامل اقسام مختلف است؛ این خسارات را در درجه اول به دو نوع مالی و بدنی می‌توان تقسیم کرد. هر یک از این دو نوع شامل موارد متعدد است. به عنوان مثال، خسارت بدنی، خود شامل دو قسم خسارت معنوی و خسارت مادی ناشی از لطمه به شخص است. خسارت معنوی وارد به شخص هم انواع مختلف دارد. خسارت مادی ناشی از لطمه به شخص از جمله شامل هزینه‌های کار افتادگی، افزایش مخارج زندگی، هزینه‌های پزشکی و هزینه کفن و دفن می‌شود. اغلب این اقسام جزیی نیز خود به عناوین ریزتر تقسیم می‌شوند. آنچه روشن است تمام دین مسوولیت مدنی عامل زیان نمی‌تواند محل رجوع نهاد تامین اجتماعی قرار گیرد: بویژه مسوولیت عامل زیان بابت خسارات وارد به اموال و خسارات معنوی نمی‌تواند محل رجوع تامین اجتماعی باشد؛ زیرا نهاد تامین اجتماعی از بابت این خسارات وجهی به زیان‌دیده پرداخت نکرده است.

۱. بر اساس این ماده: "در صورتی که ثابت شود حادثه مستقیماً ناشی از عدم رعایت مقررات فنی یا بیماری ناشی از عدم رعایت مقررات بهداشتی و احتیاط لازم از طرف کارفرما یا نمایندگان او بوده، سازمان هزینه‌های مربوط به معالجه و غرامات و مستمری‌ها و غیره را پرداخته و طبق ماده ۵۰ قانون از کارفرما مطالبه و وصول می‌نماید." همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، این ماده تنها از حق رجوع سازمان تامین اجتماعی به کارفرما سخن رانده است. پس ممکن است تصور شود در فرضی که مسوول حادثه شخص ثالثی غیر از کارفرما است، حق رجوع منتفی است. اما این نتیجه، درست نیست: تبصره ماده ۶۶ از امکان رجوع سازمان تامین اجتماعی به بیمه‌گر مسوولیت شخص ثالث سخن گفته است. امکان رجوع به بیمه‌گر، فرع بر امکان رجوع به شخص مسوول (بیمه‌گذار) است. از طرف دیگر وقتی سازمان تامین اجتماعی می‌تواند به خود کارفرما (که بخشی از حق بیمه‌ها را می‌پردازد) رجوع کند، به طریق اولی حق رجوع به سایر اشخاص ثالث را دارد. برای تفصیل بحث رک. *ایرانلو، همان*

بنابراین، تنها آن بخش از مسوولیت مدنی وارد کننده زیان که خسارات مربوط به آن، توسط تامین اجتماعی جبران شده است می تواند محل رجوع این نهاد قرار گیرد (ایزاتلو، ص ۳۷ و بعد).

۳- مقدمه سوم- در حقوق ایران خسارات بدنی در قریب به اتفاق موارد در قالب دیه جبران می شوند. با فرض پذیرش چهره جبران خسارتی دیه، این پرسش مطرح است که دیه چه نوع خسارتی را جبران می کند؟ پاسخ این پرسش با توجه به مقدمه دوم، در بحث رجوع نهاد تامین اجتماعی از اهمیت اساسی برخوردار است. به نظر می رسد دیه شامل تمام اقلام خسارات بدنی می شود. یعنی هم خسارت معنوی را جبران می کند و هم خسارات مادی ناشی از لطمه به شخص را (البته این امر مطلقاً به معنای آن نیست که دیه همه این اقلام را به طور کامل جبران می کند: باب جبران خسارات زاید بر دیه همچنان مفتوح است). همچنین، در فقدان نص قانونی، رویه قضایی باید همواره بخشی از دیه را بر این مبنا که شامل خسارات معنوی و دیگر اقلامی می شود که توسط تامین اجتماعی جبران نشده اند، از قلمرو رجوع این نهاد خارج کند و برعکس، رجوع نهاد تامین اجتماعی را به بخش دیگر دیه ممکن بداند و از آنجا که هیچ ترجیحی برای تعیین هر یک از این نسبت ها وجود ندارد، باید اصل را بر تساوی نهاد و همیشه نیم مبلغ دیه را از محل رجوع نهاد تامین اجتماعی خارج کرد و نیم دیگر را به عنوان محل رجوع قرارداد (همان، ص ۴۳ و بعد).

اکنون مساله آن است که با فرض تقصیر مشترک زیان دیده و وارد کننده زیان، اولاً - میزان رجوع نهاد تامین اجتماعی به مسوول حادثه، صرف نظر از آنکه محلی برای رجوع وجود دارد یا نه، چگونه باید تعیین شود (گفتار نخست)؟ ثانیاً- محل رجوع نهاد تامین اجتماعی در فرض تقصیر مشترک چگونه باید معین گردد (گفتار دوم)؟

گفتار نخست- تقصیر مشترک و میزان رجوع نهاد تامین اجتماعی

بند نخست- بیان مساله و راه حل های احتمالی

فرض مساله در اینجا آن است که براساس قواعد مسوولیت مدنی خسارت باید میان زیان دیده و خواننده دعوی مسوولیت تقسیم شود؛ به تساوی یا به نسبت نحوه مداخله یا بر مبنای دیگری. بر مبنای این فرض، این پرسش مطرح می گردد که حد رجوع تامین اجتماعی به وارد کننده زیان (خواننده دعوی مسوولیت مدنی) چیست؟ فرض کنیم جمع خسارات وارد به قربانی ۱۲۰/۰۰۰ تومان بوده و خواننده دعوا به نسبت نحوه مداخله خود که $\frac{2}{3}$ تشخیص

داده شده مسوول باشد و $\frac{1}{3}$ از خسارت را هم باید خود زیان دیده تحمل کند:

$$\text{سهم خواننده دعوا} = ۸۰/۰۰۰ \times \frac{2}{3} = ۱۲۰/۰۰۰$$

$$\text{سهم زیان‌دیده} = ۴۰/۰۰۰ \times \frac{1}{3} = ۱۲۰/۰۰۰$$

همچنین فرض کنیم میزان پرداخت غرامتی نهاد تامین اجتماعی به بیمه شده ۹۰/۰۰۰ تومان بوده است. پس از انجام این پرداخت‌ها بدون شک این نهاد به واردکننده زیان بیش از مبلغ ۸۰/۰۰۰ تومان که سقف مسوولیت او بوده حق رجوع ندارد (به دلیل اصل بی‌تاثیر بودن پرداخت‌های تامین اجتماعی بر وضعیت واردکننده زیان). اما پرسش اصلی آن است که آیا بابت تمام ۸۰/۰۰۰ تومان (یعنی سهم خواننده از خسارت) به او حق رجوع دارد یا خیر؟ در حقوق انگلیس قبل از قانون‌گذاری ۱۹۹۷ و بموجب قانون اصلاح خسارات بدنی مصوب ۱۹۴۸^۱ تامین اجتماعی به نسبت سهم واردکننده زیان به او حق رجوع داشت و بنابراین در مثال فوق می‌توانست از واردکننده زیان ۶۰۰۰۰ پوند دریافت دارد:

$$۸۰۰۰۰ \times \frac{2}{3} = ۶۰۰۰۰$$

اما به اعتقاد نویسندگان، ماده (a) (۲) قانون استرداد مزایای تامین اجتماعی مصوب ۱۹۹۷ متضمن راه‌حل دیگری است: تامین اجتماعی بابت همه آنچه پرداخته تا سقف مسوولیت واردکننده زیان به او حق رجوع دارد. پس در مثال فوق می‌تواند بابت ۸۰۰۰۰ پوند به خواننده دعوا رجوع کند. در فرض نخست، (راه‌حل قانون قبلی) زیان‌دیده ۲۰/۰۰۰ پوند از خسارت خود را از واردکننده زیان دریافت می‌کرد اما در فرض دوم (راه‌حل قانون فعلی) نمی‌تواند هیچ مبلغی به عنوان خسارت از واردکننده زیان مطالبه کند (Lewis, P.156, note 58; Rogers, PP. 783-784).

در برخی ایالت‌های آمریکا نیز پس از ترک قاعده منبع جنبی (Collateral Source Rule) (که به موجب آن به زیان‌دیده اجازه داده می‌شد خسارت را از هر دو منبع دریافت کند) وضع به همین منوال است. در دعوی Jeffers v. Phillips Ready Mix (ایالت اوهایو) این نتیجه به روشنی مورد تأیید دادگاه بدوی قرار گرفت و دادگاه تجدید نظر هم دفاع وکلای خواهان را مبنی بر آنکه در فرض تقصیر مشترک، نهاد مشابه تامین اجتماعی باید تنها به نسبت محکومیت وارد کننده زیان باید به او حق رجوع داشته باشد و نه تا سقف کامل مسوولیت او، با استناد به قانون (بند ۴۵ ماه ۲۳۱۷ کد اصلاح شده اوهایو مصوب ۱۹۸۸) رد کرد (Schafer, P.605)^۲.

1- Law Reform(Personal Injuries) Act.

۲. در این دعوا جمع خسارات وار به خواهان ۳۹۵۰۰۰ دلار بود؛ از آنجا که خواهان بابت ۴۰٪ از این میزان به علت خطای خود، شخصاً مسوول بود، میزان مسوولیت وارد کننده زیان ۲۳۷۰۰ دلار بود. از سوی دیگر، خواهان از نهاد مشابه تامین اجتماعی ۲۲۴۰۳ دلار دریافت کرده بود. دادگاه بدوی به تامین اجتماعی اجازه داد بابت تمام این مبلغ به مسوول حادثه رجوع

در حقوق فرانسه، در زمینه حوادث ناشی از کار، بند ۳ ماده ال-۱-۳۷۶ قانون تامین اجتماعی مقرر می‌دارد چنانچه مسئولیت، میان وارد کننده زیان و زیان دیده تقسیم شده باشد، صندوق تامین اجتماعی می‌تواند " تا آن میزان از خسارت که بر عهده ثالث قرار گرفته است"^۱ به او رجوع کند. نویسندگان با تکیه بر ظاهر عبارت، حق تقدم صندوق تامین اجتماعی بر زیان دیده را نتیجه گرفته‌اند (Dupeyroux et al., n.1476; Tunc, *ibid*). این راه حل به خارج از حوادث کار هم گسترش یافته است. در حال حاضر هم براساس رویه قضایی و موضع دیوان کشور، صندوق تامین اجتماعی تا سقف مسوولیت واردکننده زیان به او حق رجوع دارد و بنابراین در مثال فوق ۸۰۰۰۰ فرانک از واردکننده زیان دریافت می‌دارد و زیان دیده هیچ مبلغی از طریق قواعد مسوولیت مدنی دریافت نمی‌کند (Lambert-Faivre, 1998, n. 5; le Tourneau et Cadiet, n.).

با وجود این، برخی از آرای دادگاه‌های تالی تنها به نسبت سهم خوانده در دعوا به تامین اجتماعی حق رجوع می‌دهند تا وجود تامین اجتماعی مانع استفاده زیان دیده از مسوولیت مدنی نشود و زیان دیده به واسطه تقصیری که مرتکب شده مجازات نگردد (دادگاه شهرستان پاریس، ۱۳ مارس ۱۹۹۰، نقل از: Lambert-Faivre, 1996, n. 451؛ دادگاه پژوهش دیژون (Dijon)، ۲۰ دسامبر ۱۹۵۱، نقل از: Dalloz, 1952/55). دکترین مواضع کاملاً متفاوتی اتخاذ کرده است. "مازو" به شدت از اصل رجوع کامل تامین اجتماعی (تا سقف مسوولیت واردکننده زیان) طرفداری کرده است (Mazeaud et al., n. 267-6; add: Savatier, n. 152). به اعتقاد مازو کسانی که رجوع تامین اجتماعی را به نسبت سهم عامل زیان محدود می‌کنند (در مثال فوق برای تامین اجتماعی حق استرداد تنها $\frac{2}{3}$ از آنچه را که پرداخته است قایل می‌شوند) دچار اختلاط فکری شده‌اند. او می‌افزاید که هیچ استدلال معتبر نمی‌تواند کاهش حق رجوع تامین اجتماعی را توجیه کند. "آندره تنک" نیز بر همین عقیده است. (Tunc, P. 72).

به هر حال، راه حل مذکور (تقدم تامین اجتماعی بر زیان دیده)، موضع بسیاری از قانون‌گذاران و رویه‌های قضایی است به عنوان مثال و در آلمان، سوییس، یونان هم حاکم است (Fleming, note 192).

در نقطه مقابل این اندیشه، عقیده کسانی چون خانم "لامبر- فور" - متخصص حقوق خسارات بدنی و حقوق بیمه- قرار دارد. او نیز به سهم خود از راه حلی که در فرض تقسیم

کند. در نتیجه، زیان دیده تنها مستحق تفاوت ناچیز میان این دو مبلغ شناخته شد. وکلای خواهان در مرحله تجدید نظر چنین استدلال کردند که مبلغ پرداخت شده از منبع جنبی (۲۲۴۰۳ دلار) باید قبل از هر گونه تقسیم مسوولیت، از کل مبلغ خسارت کسر شود (و در نتیجه، منبع جنبی تنها به نسبت مسوولیت شخص ثالث به او حق رجوع داشته باشد). اما دادگاه تجدید نظر با استناد به صراحت قانون، این ادعا را رد کرد.

1- A due concurrence de l'indemnité mise a la charge du tiers.

مسئولیت میان زیان‌دیده و ثالث برای تأمین اجتماعی حق رجوع کامل (تا سقف مسئولیت ثالث) قایل می‌شوند ابراز تاسف کرده است. او در جهت کاهش حق رجوع تأمین اجتماعی به نسبت سهم خوانده از جمله به دو استدلال زیر تمسک می‌جوید: براساس قواعد قائم مقامی، قائمی مقامی نمی‌تواند به ضرر ناقل عمل کند. ثانیاً پرداخت‌های تأمین اجتماعی منحصر به موردی نیست که شخص ثالثی مسئولیت حادثه را به عهده دارد. حتی اگر ورود زیان به طور کامل ناشی از تقصیر بیمه شده باشد (مشروط بر اینکه تقصیرش عمدی نباشد) تأمین اجتماعی همه تکالیف خود را در برابر او انجام می‌دهد بدون اینکه به دیگری حق رجوع داشته باشد (Lambert-Faivre, 1996, n. 451).

در واقع به لحاظ منطقی در فرض فوق ۵ راه حل قابل تصور است:

۱- به نهاد تأمین اجتماعی حق دهیم بابت تمام آنچه پرداخته (۹۰/۰۰۰ تومان) به واردکننده زیان مراجعه کند هر چند سهم واردکننده زیان براساس قواعد عمومی مسئولیت کمتر از این میزان (۸۰/۰۰۰ تومان) بوده است.

۲- به تأمین اجتماعی اجازه دهیم تمام پرداخت‌های خود را تا سقف مسئولیت واردکننده زیان از او مسترد دارد و در مرحله بعد اگر هنوز بخشی از مسئولیت واردکننده زیان باقی است، زیان‌دیده حق دریافت مبلغ باقیمانده را دارد، بر این اساس در مثال فوق، هیچ مبلغی برای زیان‌دیده باقی نمی‌ماند. اما اگر در همان مثال میزان پرداخت‌های غرامتی تأمین اجتماعی ۶۰/۰۰۰ تومان بوده باشد، زیان‌دیده حق خواهد داشت که مبلغ باقیمانده را (یعنی ۲۰/۰۰۰ تومان) از واردکننده زیان مطالبه کند:

$$\text{پرداخت غرامتی تأمین اجتماعی} = ۶۰/۰۰۰$$

$$\text{کل خسارت} = ۱۲۰/۰۰۰$$

$$\text{سهم خواننده دعوی مسئولیت} = ۸۰/۰۰۰ = \frac{2}{3} \times ۱۲۰/۰۰۰ \text{ تفریحی}$$

$$\text{سهم زیان‌دیده از طلب مربوط به مسئولیت مدنی} = ۲۰/۰۰۰ = ۸۰/۰۰۰ - ۶۰/۰۰۰$$

۳- راه حل سوم که ممکن است آن را در مقابل راه حل اول قرارداد، آن است که بگذاریم زیان دیده تمام مزایای تأمین اجتماعی را با تمام خساراتی که براساس قواعد مسئولیت به او تعلق می‌گیرد، جمع کند و در مثال مورد نظر، که کل خسارات وارده به او معادل ۱۲۰/۰۰۰ تومان بوده، مزایای تأمین اجتماعی ۹۰/۰۰۰ تومان و سهم خواننده دعوی مسئولیت ۸۰/۰۰۰ تومان، به زیان‌دیده اجازه دهیم در مجموع ۱۷۰/۰۰۰ تومان دریافت دارد.

۴- راه حل چهارم درست در نقطه مقابل راه حل دوم است و آن این است که زیان‌دیده پس از دریافت مزایای تأمین اجتماعی تا حدی که خسارت او به طور کامل جبران شود بتواند به

واردکننده زیان- البته تا سقف مسوولیت او- رجوع کند و پس از آنکه خسارت او به طور کامل جبران شد، تامین اجتماعی حق دارد به واردکننده زیان- اگر هنوز مسوولیتی برای او باقی است- رجوع کند.

مثال زیر را در نظر بگیریم:

کل خسارات وارده به زیان دیده: ۱۲۰/۰۰۰ تومان

سهم خواننده دعوی مسوولیت: ۸۰/۰۰۰ تومان

میزان پرداخت‌های تامین اجتماعی: ۹۰/۰۰۰ تومان

در این فرض زیان دیده ۹۰/۰۰۰ تومان از تامین اجتماعی دریافت می‌دارد و برای تکمیل جبران خسارت خود ۳۰/۰۰۰ تومان هم از واردکننده زیان دریافت می‌کند. به این ترتیب، نهاد تامین اجتماعی می‌تواند به میزان ۵۰/۰۰۰ تومان (بخش باقیمانده مسوولیت واردکننده زیان) به واردکننده زیان مراجعه کند.

اما اگر میزان پرداخت غرامتی تامین اجتماعی ۴۰/۰۰۰ تومان بوده است، زیان دیده برای تکمیل جبران خسارات وارد به خود ۸۰/۰۰۰ تومان از خواننده دعوی مسوولیت وصول می‌کند و چون خواننده دعوی مسوولیت مدنی تمام دین خود را به زیان دیده پرداخته است، نهاد تامین اجتماعی حقی برای رجوع به او نخواهد داشت.

۵- در راه حل پنجم که موضع سابق حقوق انگلیس و موضع سابق و فعلی برخی محاکم تالی فرانسه است، تامین اجتماعی به نسبت سهم خواننده دعوی مسوولیت مدنی به او حق رجوع دارد: اگر میزان پرداخت‌های تامین اجتماعی ۹۰/۰۰۰ تومان بوده، این نهاد به نسبت مسوولیت خواننده ($\frac{2}{3}$) یعنی باید ۵۳/۳۳۳ تومان به او رجوع می‌کند و باقی مانده مبلغ دین مسوولیت مدنی یعنی ۲۶/۶۶۶ تومان به زیان دیده تعلق می‌گیرد.

بند دوم- نقد نظرها و راه حل پیشنهادی

از ۵ راه حل یاد شده، ۲ راه حل اول و سوم بی تردید مردود است. راه حل نخست برخلاف اصول قائم مقامی (محدودیت دوگانه قائم مقامی) و اصل بی تاثیر بودن پرداخت‌های تامین اجتماعی در وضعیت مسوول حادثه است: قائم مقام حقی بیش از طلبکار اصلی ندارد و وضعیت مسوول حادثه نباید به دلیل وجود مزایای تامین اجتماعی تشدید شود (برای نقض این قاعده در حقوق ایران رک. ایزانلو، ص ۴۳ و ۴۷). راه حل سوم به جبران مضاعف ضرر منجر می‌گردد و برخلاف قواعد مسوولیت مدنی است (چه یکی از شرایط ضرر آن است که قبلاً جبران نشده باشد) و به استفاده بلاجهت زیان دیده منجر می‌شود. این راه حل که از اساس منکر اصل حق رجوع نهاد تامین اجتماعی می‌شود مخالف نص مواد ۶۶ و ۹۰ قانون تامین اجتماعی است و

مخالف موضع حقوق ایران است که با جمع مزایا مخالف است. (بر عکس، این سیاست، قاعده حقوق آمریکا است: Fleming, n. 9؛ اما روز به روز بر تعداد ایالاتی که آن را ترک می‌کنند، افزوده می‌شود: Schafer, ibid.). بنابراین سه راه حل باقی می‌ماند: الف- تقدم نهاد تأمین اجتماعی بر زیان‌دیده در رجوع به خواننده دعوی مسوولیت (Absolute Theory) که راه حل غالب است؛ موضع فعلی قانون ۱۹۹۷ انگلیس، برخی ایالات آمریکا و دیوان کشور فرانسه است و مورد تأیید نویسندگانی بزرگ چون "مازو" و "تنک" و "ساواتیه" قرار گرفته است. ب- راه حلی که متضمن حق تقدم زیان‌دیده بر نهاد تأمین اجتماعی در رجوع به خواننده دعوی مسوولیت است (Differential Theory). ج- و راه حل سوم که به تأمین اجتماعی حق می‌دهد به نسبت (و نه به میزان) سهم خواننده دعوی مسوولیت مدنی به او رجوع کند (Relative Theory) (موضع سابق حقوق انگلیس و موضع سابق و فعلی برخی محاکم تالی در فرانسه).

گرچه راه حلی که متضمن حق تقدم زیان دیده است مهجور مانده است، اما ممکن است تنها راه حل موافق با اصول قائم مقامی شناخته شود، زیرا یکی از آثار مهم قائم مقامی، حق تقدم طلبکار اصلی بر قائم مقام در رجوع به بدهکار اصلی است. از آنجا که قائم مقامی نمی‌تواند به ضرر طلبکار اصلی عمل کند، در فرضی که قائم مقام تنها بخشی از طلب ناقل را پرداخته و آنگاه هر دو (قائم مقام و طلبکار اصلی) بخواهند به بدهکار اصلی مراجعه کنند، ناقل (طلبکار) بر قائم مقام خود حق تقدم دارد. وجود این حق تقدم مورد پذیرش نویسندگان است (Mazeaud et al., 1998, n. 859)، و قانون مدنی فرانسه هم در ماده ۱۲۵۲ به آن تصریح دارد. هرچند برخی از نویسندگان این حق تقدم را بدون مبنا دانسته‌اند. (Malaurie et al., n. 859) دست کم در بحث ما مبنای این حق تقدم، صرفنظر از لزوم حمایت از زیان دیده، می‌تواند آن باشد که بیمه شده در قبال مزایایی که از تأمین اجتماعی دریافت کرده است، عوضی (حق بیمه) پرداخت نموده است. پس آیا نباید به همین دلیل راه حلی را که متضمن حق تقدم زیان دیده است، مورد پذیرش قرار داد؟ و دو راه حل دیگر (که یکی برعکس، حق تقدم را به قائم مقام می‌دهد و دیگری منکر وجود هرگونه حق تقدمی است) به کنار نهاد؟ آیا نباید از خود پرسید که چگونه است که راه حلی که دقیقاً مطابق اصول قائم مقامی است در یکی از مصادیق قائم مقامی (قائم مقامی صندوق تأمین اجتماعی در رجوع به عامل زیان) مهجور افتاده است؟ بنظر ما این راه حل از قوت برخوردار است و دست کم بر راه حل نخست، تقدم دارد.

اما از نگاه دیگر هم می‌توان به مساله نظر افکند: تقدم ناقل بر قائم مقام یک بحث پسینی (*a posteriori*) است؛ بدین معنا که موخر بر تعیین طلب هر یک از ناقل (طلبکار) و قائم مقام از بدهکار اصلی است. در حالی که در فرض ما آنچه مورد سوال است، تعیین میزان طلب هر یک

از زیان‌دیده و نهاد تامین اجتماعی از خواننده دعوی مسوولیت مدنی است و برای یافتن پاسخ این مسأله نمی‌توان به یک استدلال موخر (حق تقدم طلبکار بر قائم مقام) تمسک جست.

در واقع اختلاف بر سر تعیین میزان طلب هر یک از زیان‌دیده و تامین اجتماعی از وارد کننده به زیان در فرض تقصیر مشترک، جدال بر سر اصول باز می‌گردد. مازو ۳ اصل حاکم بر رجوع تامین اجتماعی را چنین بیان کرده است: ۱- وارد کننده زیان باید بخشی از مسوولیت خود را در برابر نهاد تامین اجتماعی و بخش دیگر را در برابر زیان‌دیده اجرا کند؛ ۲- نهاد تامین اجتماعی حق دارد در محدوده دوگانه میزان پرداختی که انجام داده و میزان مسوولیت واردکننده زیان به واردکننده زیان مراجعه کند؛ ۳- زیان دیده حق دارد که بخشی از خساراتی که بر طبق قواعد عمومی مسوولیت مدنی مستحق دریافت آن است از وارد کننده زیان و بخش دیگر را از تامین اجتماعی دریافت دارد. در واقع با تکیه بر همین اصل سوم است که او بر طرفداران «رجوع تامین اجتماعی به نسبت سهم خواننده دعوی مسوولیت»، حمله می‌کند (Mazeaud et al., n. 267-2).

در درستی اصل نخست تردیدی نیست. اصل دوم هم اجمالاً درست است؛ یعنی تا آن حد که رجوع نهاد تامین اجتماعی به وارد کننده زیان را، اضافه بر میزان مسوولیت مدنی او مجاز نمی‌شمارد. اما اصل سوم محل مناقشه است. اصل سوم حاوی دو بخش است: ۱- زیان‌دیده حق دارد بخشی از خساراتش توسط تامین اجتماعی و بخش دیگر توسط خواننده دعوی مسوولیت مدنی جبران گردد ۲- مراد از این خسارات، خساراتی است که زیان‌دیده بر طبق قواعد عمومی مسوولیت مدنی مستحق دریافت آن بوده است. بخش نخست کاملاً منطقی است، اما بخش دوم قابل پذیرش نیست: در فرضی که زیان‌دیده بطور همزمان از تامین اجتماعی و مسوولیت مدنی واردکننده زیان بهره‌مند است، چرا باید حق او را بر دریافت خسارت محدود به خسارت‌هایی کنیم که براساس قواعد عمومی مسوولیت مستحق آن بوده است؟ اصل آن است که تمام خسارات زیان‌دیده باید جبران شود و اگر مسوولیت مدنی به تنهایی برای جبران تمام خسارات کافی نباشد چرا باید بیمه شده زیان‌دیده را از چتر حمایتی تامین اجتماعی محروم کنیم؟ مگر یکی از عمده دلایل ضرورت چنین نهادی ناکارآمدی نظام مسوولیت مدنی برای جبران تمام خسارات نیست؟ عقیده‌ای که جبران کامل خسارات را در قلمرو مسوولیت مدنی محدود می‌کند و به زیان‌دیده اجازه می‌دهد تنها تاحدی که مسوولیت مدنی مجاز می‌داند، خسارات خود را وصول کند در یک اندیشه صرف حقوق خصوصی ریشه دارد و به اهداف و کارکردهای تامین اجتماعی بی‌توجه است یا آنکه در عین توجه به اهداف و کارکردهای تامین اجتماعی، مع‌الوصف در پی افزایش منابع درآمد تامین اجتماعی است. این عقیده بی‌تردید مردود است. برای نشان دادن ضعف آن، مساله را از زاویه دیگری آغاز

می‌کنیم: اگر خسارت وارد به بیمه شده ۱۲۰/۰۰۰ تومان بوده اما تقصیر شخص او تمام ضرر را ایجاد کرده باشد آیا باز هم تامین اجتماعی تمام پرداخت‌های غرامتی را (که فرض کنیم ۶۰۰۰۰ تومان است) در حق او انجام نخواهد داد؟ آیا پس از این پرداخت‌ها نهاد تامین اجتماعی به کسی حق رجوع دارد؟ به یقین پاسخ به ترتیب مثبت و منفی است. نتیجه آنکه آنچه نهاد تامین اجتماعی پرداخت می‌کند فقط از بابت دین مسوولیت مدنی نیست، از بابت تقصیر زیان‌دیده هم هست (Lambert-Faivre, 1998, n.5). بنابراین اگر در فرض دیگر تقصیر زیان‌دیده به همراه تقصیر خواننده دعوی مسوولیت خسارت مذکور را ایجاد کرده باشد و میزان مسوولیت خواننده دعوا هم $\frac{2}{3}$ میزان ضرر وارده باشد و ما به تامین اجتماعی اجازه دهیم که تمام آنچه را که پرداخته است از محل مسوولیت وارد کننده زیان ($\frac{2}{3}$) وصول کند، در واقع منکر تکلیف نهاد تامین اجتماعی به جبران خسارت زیان‌دیده در فرض تقصیر خود زیان‌دیده شده‌ایم زیرا هیچ مبلغی از پرداخت نهاد تامین اجتماعی را بابت تقصیر زیان‌دیده لحاظ نکرده‌ایم. آیا منطقی‌تر و هم عادلانه‌تر آن نیست که پرداخت نهاد تامین اجتماعی به نسبت، هم از بابت تقصیر خواننده دعوی مسوولیت و هم از بابت تقصیر زیان‌دیده محسوب شود و آیا این برابری نسبی جوهر عدالت نیست؟ از سوی دیگر، وقتی هیچ دلیلی نه برای محسوب داشتن این پرداخت‌ها از بابت تقصیر زیان‌دیده و نه برای محسوب داشتن آنها از بابت تقصیر خواننده دعوی مسوولیت وجود ندارد، «فرض برابری» ایجاب می‌کند تا پرداخت نهاد تامین اجتماعی به نسبت، بابت هر دو تقصیر منظور شود. بنابراین اگر کل خسارت ۱۲۰/۰۰۰ تومان بوده و خواننده بابت $\frac{2}{3}$ آن مقصر و مسوول بوده و زیان‌دیده بابت $\frac{1}{3}$ باقیمانده، و پرداخت نهاد تامین اجتماعی هم ۶۰/۰۰۰ تومان بوده، باید $\frac{1}{3}$ از این پرداخت بابت تقصیر خود زیان‌دیده و $\frac{2}{3}$ آن بابت تقصیر خواننده دعوا محسوب شود. در نتیجه نهاد تامین اجتماعی بابت ۴۰/۰۰۰ تومان ($\frac{2}{3}$) آنچه پرداخته است) حق رجوع به خواننده دعوی مسوولیت را خواهد داشت. زیان‌دیده که ۶۰۰۰۰ تومان از تامین اجتماعی وصول کرده است، ۴۰۰۰۰ تومان باقیمانده از دین مسوولیت مدنی عامل زیان را دریافت خواهد کرد. به این ترتیب تمام خسارات او جبران می‌شود؛ اصل ممنوعیت جبران مضاعف ضرر و اصل رجوع نهاد تامین اجتماعی هم محترم شمرده می‌شود.

گفتار دوم - تقصیر مشترک و محل رجوع نهاد تامین اجتماعی

از آنچه گفته شد، این قاعده بدست آمده که در فرض تقصیر مشترک (برخلاف موضع فعلی دیوان کشور فرانسه و حقوق انگلیس و بسیاری دیگر از کشورها و برخی ایالات آمریکا)، نهاد تامین اجتماعی به نسبت (و نه به میزان) مسوولیت وارد کننده زیان در ورود خسارت، به او (یا بیمه گر او) حق رجوع دارد. از سوی دیگر، همچنانکه در آغاز بحث گفته شد، حتی در فقدان تقصیر مشترک (در فرض مسوولیت کامل وارد کننده زیان) تامین اجتماعی تنها نسبت به معادل آن دسته از خساراتی حق رجوع دارد که آنها را جبران کرده است و به عنوان مثال از بابت مسوولیت وارد کننده زیان در قبال خسارات معنوی، حق رجوع ندارد. اما اکنون نوبت به فرضی می‌رسد که مرکب از دو فرض فوق است و آن فرض چنین است: حادثه در اثر تقصیر مشترک زیان‌دیده و مسؤل حادثه به بار آمده است و در عین حال مسؤل حادثه از بابت انواع مختلفی از خسارت مسؤل است که تنها برخی از آنها، برخلاف برخی دیگر، توسط تامین اجتماعی جبران گردیده‌اند.

ما در اینجا مثالی را که «آندره تنک» در یکی از نقدهای ارزنده و پربار خود بر رویه قضایی نگاشته است و عین آن در رساله مسؤلیت مدنی مازوها با همکاری تنک تکرار شده است ذکر می‌کنیم:

فرض کنیم جمع خسارات وارده به زیان دیده ۶ میلیون تومان بوده است که ۲ میلیون تومان آن هزینه‌های پزشکی و دارویی بوده است؛ ۱ میلیون تومان خسارت وارد بر وسیله نقلیه بیمه شده و ۳ میلیون تومان هم خسارت معنوی مربوط به درد و رنج روحی و جسمی بوده است. همچنین فرض کنیم که تامین اجتماعی به بیمه شده زیان‌دیده ۲ میلیون تومان از بابت هزینه‌های پزشکی و دارویی پرداخت کرده و مسؤلیت مدنی هم میان شخص ثالث و زیان‌دیده به ترتیب به نسبت $\frac{1}{4}$ و $\frac{3}{4}$ تقسیم شده است. یعنی:

کل خسارت = ۶۰۰,۰۰۰ تومان شامل:

هزینه‌های پزشکی و دارویی = ۲۰۰,۰۰۰ تومان

خسارت وارد به وسیله نقلیه = ۱۰۰,۰۰۰ تومان

خسارت معنوی = ۳۰۰,۰۰۰ تومان

سهم خوانده دعوا از مسوولیت مدنی

هزینه‌های پزشکی و دارویی = ۵۰۰,۰۰۰ تومان

خسارت وسیله نقلیه = ۲۵۰,۰۰۰ تومان

خسارت معنوی = ۷۵۰,۰۰۰ تومان

در این وضعیت رجوع تأمین اجتماعی تا چه میزان خواهد بود؟ "مازو" و "تنک" که در بحث از رابطه تقصیر مشترک و پرداخت‌های تأمین اجتماعی بر این باورند که تأمین اجتماعی به‌طور کامل تاسقف مسؤلیت عامل زیان می‌تواند به او رجوع کند، تنها این سوال را در برابر خود می‌بینند که آیا فقط باید مبلغ محکومیت خواننده از جهت هزینه‌های دارویی و پزشکی به جبران خسارت تأمین اجتماعی اختصاص یابد یا تأمین اجتماعی می‌تواند رجوع خود را بر روی همه ارقام خسارت از جمله خسارت وارد به وسیله نقلیه و خسارت معنوی قرار دهد. در حالت اول، تأمین اجتماعی تنها موفق به دریافت ۵۰۰/۰۰۰ تومان از مسؤل حادثه خواهد شد و زیان‌دیده که ۲ میلیون تومان از تأمین اجتماعی دریافت کرده، یک میلیون تومان هم از مسؤل حادثه دریافت می‌کند تا جمع دریافتی‌های او به ۳ میلیون تومان برسد. در صورت دوم، تأمین اجتماعی تمام مبلغ محکومیت مسؤل حادثه را از او وصول خواهد کرد و زیان‌دیده حق رجوعی به مسؤل حادثه نخواهد داشت.

آنان با قاطعیت از همین عقیده دوم پیروی می‌کنند و معتقدند که در این فرض زیان‌دیده هیچ مبلغی از مسؤل حادثه وصول نخواهد کرد چرا که تأمین اجتماعی حق دارد تمام مبلغ محکومیت مسؤل حادثه را جهت پرداخت‌های خود به زیان‌دیده، مسترد دارد. دلیلی که ارایه می‌کنند آن است که اگر بنا باشد زیان‌دیده ۲ میلیون تومان از تأمین اجتماعی وصول کند و ۱ میلیون تومان هم از عامل زیان دریافت دارد، در نتیجه موفق به وصول مبلغی (۳ میلیون تومان) می‌شود که نه براساس قواعد عمومی مسؤلیت مدنی مستحق دریافت آن بوده است (چه مسؤلیت مدنی برای او ۱ میلیون و پانصد هزار تومان در نظر گرفته است) و نه براساس قواعد تأمین اجتماعی (چرا که او براساس قواعد تأمین اجتماعی تنها مستحق دریافت ۲ میلیون تومان بوده است) و اضافه می‌نمایند که هدف از برقراری همزمان دو نظام تأمین اجتماعی و مسؤلیت مدنی آن بوده که زیان‌دیده آن یک از این دو را که به نفع او است، انتخاب کند، اما جمع آن دو مطلقاً ممکن نیست (Mazeaud et al., n. 267-10; Tunc, P.72).

این نتیجه که در حقوق آمریکا هم در عوای یاد شده در صفحات پیشین مورد تایید قرار گرفته است (Schafer, ibid)، از جهات متعدد قابل انتقاد است. جمع مسؤلیت مدنی و تأمین اجتماعی ممکن است مشروط بر اینکه میزان دریافت‌ها از میزان خسارت وارده تجاوز نکند (چه در این صورت با جبران مضاعف خسارت روبرو خواهیم بود). پس هیچ معنی ندارد که زیان‌دیده در نتیجه برخورداری از هر دو منبع جبران خسارت موفق به دریافت مبلغی شود که هیچ‌یک از این دو منبع به تنهایی نمی‌توانست در اختیار او قرار دهد.

بنابراین، باید همچنان همراه با خانم "لامبر-فور" بر این اعتقاد بود که در مثال مورد نظر، رجوع تأمین اجتماعی از دو جهت محدود است: اولاً تأمین اجتماعی به نسبت مسؤلیت عامل

زیان در ورود حادثه به او حق رجوع دارد. ثانیاً رجوع تامین اجتماعی نمی‌تواند بر روی مجموع خسارات قرار گیرد و تنها مبالغ در نظر گرفته شده بابت هزینه‌های پزشکی و دارویی (که توسط تامین اجتماعی جبران شده‌اند) می‌توانند به عنوان محل رجوع محسوب گردند (Lambert-Faivre, 1998, PP.269-270). یعنی:

میزان رجوع: $500/000$ تومان = $\frac{1}{4} \times 2/000/000$ تومان (پرداخت‌های نهاد تامین اجتماعی بابت هزینه‌های پزشکی و دارویی)
محل رجوع (مسئولیت خوانده بابت هزینه‌های پزشکی و دارویی):

$500/000$ تومان = $\frac{1}{4} \times 2/000/000$ تومان (خسارت وارده بابت هزینه‌های پزشکی و دارویی)

در نتیجه نهاد تامین اجتماعی موفق به دریافت $500/000$ تومان از خواننده دعوا می‌شود. اما اگر در همین مثال بدون تغییر سایر ارقام، مسئولیت خوانده بابت هزینه‌های پزشکی و دارویی $300/000$ تومان می‌بود و بابت خسارات وارد به وسیله نقلیه $500/000$ تومان، نهاد تامین اجتماعی تنها موفق به دریافت $300/000$ تومان می‌گردید چرا که فقط مبلغ محکومیت خوانده بابت هزینه‌های پزشکی و دارویی، محل رجوع او بود. از سوی دیگر اگر بدون تغییر سایر ارقام مسئولیت خوانده از بابت هزینه‌های پزشکی و دارویی 750 هزار تومان بود و بابت وسیله نقلیه مسئولیتی نمی‌داشت، سازمان تامین اجتماعی باز هم تنها موفق به وصول $500/000$ تومان می‌شد زیرا نهاد تامین اجتماعی به نسبت مسئولیت خوانده در ورود حادثه به او حق رجوع دارد و نه بیشتر از آن. به عبارت دیگر آنچه نهاد تامین اجتماعی در نهایت موفق به وصول آن می‌شود از یک جهت به میزان حق رجوع این نهاد (با لحاظ تقصیر زیان‌دیده و اعمال آن) و از طرف دیگر به محل رجوع (و نه میزان مسئولیت عامل زیان به طور کلی) بستگی دارد (Ibid).

گفتار دوم - محل رجوع، تقصیر مشترک و دیه

اکنون همان مثال را از جهت دیگری بررسی می‌کنیم: کل خسارت وارد به زیان‌دیده معادل ۶ میلیون تومان دیه است. پرداخت‌های تامین اجتماعی بابت هزینه‌های درمان و معالجه ۲ میلیون تومان بوده است و از سوی دیگر مسئولیت به ترتیب به نسبت $\frac{1}{4}$ و $\frac{3}{4}$ میان خواننده دعوا و زیان‌دیده تقسیم شده است یعنی خواننده دعوا تنها مکلف به پرداخت ۱ میلیون و پانصد هزار تومان به عنوان دیه است و باقیمانده خسارت به عهده خود زیان‌دیده است. از آنجا که

همیشه نصف مبلغ دیه‌ای که خواننده به آن محکوم می‌شود بابت خساراتی محسوب می‌گردد که توسط تأمین اجتماعی جبران نمی‌شود (رک. ایزانلو، ص ۴۳)، بنابراین، نهاد تأمین اجتماعی تنها ۷۵۰ هزار تومان از مبلغ محکومیت خواننده را می‌تواند به عنوان محل رجوع خود قرار دهد. اما از طرف دیگر از آنجا که تنها به نسبت مسؤلیت خواننده دعوا می‌تواند به او رجوع کند، تنها حق دارد مبلغ ۳۵۰ هزار تومان را از محل ۷۵۰ هزار تومان وصول کند. اما اگر در همین مثال مسؤلیت به طور مساوی میان خواننده و زیان‌دیده تقسیم شده باشد (همچنانکه در اغلب موارد چنین است: مواد ۳۳۶ و ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی)، نهاد تأمین اجتماعی حق خواهد داشت نسبت به یک میلیون تومان از پرداخت‌های خود رجوع کند:

$$2,000,000 \times \frac{1}{2} = 1,000,000$$

در این فرض محل رجوع برای وصول طلب نهاد تأمین اجتماعی کفایت می‌کند: زیان‌دیده مستحق دریافت ۳ میلیون است که مبلغ یک و نیم میلیون تومان آن به عنوان محل رجوع تأمین اجتماعی منظور می‌شود.

آنچه گفته شد به دیه اعضا مربوط است. در مورد دیه فوت، پیش از اجرای قواعد یاد شده باید اولاً- دیه جهت تصفیه ترکه در شمار دارایی‌های متوفای منظور شود (در این مرحله نباید نهاد تأمین اجتماعی را در شمار طلبکاران آورد زیرا این نهاد به دیه به عنوان اموال وراث (و نه متوفای) حق رجوع دارد)؛ ثانیاً- سهم دیه آن دسته از وارثانی را که از مزایای تأمین اجتماعی استفاده نمی‌کنند از دسترس نهاد تأمین اجتماعی بیرون کرد.^۱

نتیجه

قواعد رجوع نهاد تأمین اجتماعی به وارد کننده زیان را در فرض تقصیر مشترک زیان دیده و وارد کننده زیان می‌توان به شرح ذیل بیان کرد:

۱. از سوی دیگر به ندرت ممکن است برخی خویشاوندان (نوه دختر بیمه شده) مستحق مزایای تأمین اجتماعی باشند بدون آنکه از دیه سهمی ببرند. بابت این پرداخت‌ها هم حق رجوعی وجود ندارد. پیشتر (ایزانلو، استرداد مزایای تأمین اجتماعی از محل دین مسؤلیت مدنی، ص ۴۶) به عنوان مثال این مورد به اشتباه از زوج و زوجه نام برده شده بود که به این وسیله اصلاح می‌شود. در واقع هر چند برخی فقها بر این اعتقاد هستند که زوج و زوجه از دیه ارث نمی‌برند (نقل از: شیخ طوسی، خلاف، ج ۵، صص ۱۷۸-۱۷۹؛ فخر المحققین؛ ایضاح، ج ۴، ص ۱۸۱) و برخی از استادان حقوق مدنی دست کم در مورد دیه قتل عمد با این عقیده موافق هستند (لنگرودی، ارث، ش ۴۷)، اما ظاهراً در میان فقیهان امامیه در ارث بردن زوجین از دیه اختلافی وجود ندارد. آنچه مورد اختلاف است، ارث بردن خویشاوندان مادری از دیه است: برخی بر این اعتقاد هستند که خویشاوندان مادری از دیه ارث نمی‌برند (رک. مسالک، ج ۱۳، ص ۴۱ و ۴۵؛ جامع المدارک، ج ۵، ص ۲۹۵-۲۹۶؛ شرایع الاسلام، ج ۴، ص ۸۱۶-۸۱۷).

۱- چنانچه حادثه یا بیماری ناشی از تقصیر مشترک بیمه شده (زیان‌دیده) و شخص ثالث باشد، نهاد تامین اجتماعی تنها به نسبت مسوولیت شخص ثالث، که براساس قواعد مسوولیت مدنی تعیین می‌شود، به از حق رجوع خواهد داشت؛ باقیمانده طلب مسوولیت مدنی، اگر باشد، به خود بیمه شده (زیان‌دیده) تعلق دارد.

۲- چنانچه حادثه ناشی از تقصیر مشترک بیمه شده (زیان‌دیده) و شخص ثالث باشد و در عین حال مسوولیت شخص ثالث شامل اقسام مختلفی باشد که برخی از آنها، برخلاف برخی دیگر، توسط نهاد تامین اجتماعی جبران نمی‌شوند، رجوع این نهاد از دو جهت محدود می‌شود: اولاً- آن بخش از دین مسوولیت مدنی که بابت خساراتی در نظر گرفته شده که توسط نهاد تامین اجتماعی جبران نمی‌شوند، از قلمرو رجوع این نهاد، بیرون می‌ماند. ثانیاً- حق رجوع نهاد تامین اجتماعی تابع محدودیت مذکور در بند ۱ این نتیجه است.

۳- در فرضی که شخص ثالث به جای محکوم شدن به اقسام مختلف خسارت بدنی به دیه اعضا محکوم می‌شود- همچنانکه در عمل چنین است- و در عین حال حادثه در اثر تقصیر مشترک بیمه شده (زیان‌دیده) و شخص ثالث رخ داده باشد رجوع نهاد تامین اجتماعی حاوی یک محدودیت دو گانه است:

اولاً- نهاد تامین اجتماعی تنها به نسبت مسوولیت وارد کننده زیان به او حق رجوع دارد (از آنجا که بنابر اصل خسارت به طور مساوی میان شخص ثالث و زیان‌دیده تقسیم می‌شود، نهاد تامین اجتماعی تنها نسبت به $1/2$ مسوولیت شخص ثالث به او حق رجوع دارد).

ثانیاً- از سوی دیگر، از آنجا که همواره نیمی از مسوولیت وارد کننده زیان باید بابت زیانهای منظور شود که توسط تامین اجتماعی جبران نمی‌شوند (زیانهای معنوی و برخی زیانهای مادی ناشی از لطمه به شخص)، تنها نیمی از محکومیت وارد کننده زیان، می‌تواند به عنوان محل رجوع نهاد تامین اجتماعی قرار گیرد. در نتیجه، بر این مبنا که مسوولیت به طور مساوی میان زیان‌دیده و شخص ثالث تقسیم شده باشد، نهاد تامین اجتماعی در نهایت بابت $1/4$ از مسوولیت شخص ثالث به او حق رجوع دارد و $3/4$ باقیمانده به خود زیان‌دیده تعلق دارد.

۴- چنانچه حادثه‌ای که در اثر تقصیر مشترک بیمه شده (زیان‌دیده) و شخص ثالث داده است منجر به فوت زیان‌دیده شود و شخص ثالث بابت پرداخت قسمتی از دیه مسوول باشد، پیش از اعمال این قواعد باید دیه فوت را جهت تصفیه ترکه در شمار دارایی متوفای منظور کرد و سپس سهم دیه آن دسته از وارثانی را که مستحق دریافت مزایای تامین اجتماعی نیستند، از قلمرو رجوع این نهاد کنار گذاشت. آنگاه محدودیت های مذکور در بند ۳ این نتیجه را به

مرحله اجرا گذاشت. در نتیجه، بخت وصول خسارت از طرف نهاد تامین اجتماعی ناچیز است.

منابع و مأخذ

الف- فارسی

۱. ایزانلو، محسن، (۱۳۸۷)، استرداد مزایای تامین اجتماعی از محل دین مسوولیت مدنی، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره بهار.
۲. جنیدی، لعبا، (۱۳۷۸)، **تقصیر زیان دیده**، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره زمستان.
۳. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۶۹)، ارث، چاپ دوم، گنج دانش.
۴. کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۲) **الزامهای خارج از قرارداد**، ج ۱: مسوولیت مدنی، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تهران.

ب- خارجی

- 1- *Chartier (Yves)*, (1983), **La réparation du préjudice dans la responsabilité civile**, Dalloz.
- 2- *Coursier (Philippe)*, (2005), **Code de la sécurité sociale** (réaliser par...), 6^{ème} éd., Litec.
- 3- *Dupeyroux (Jean-Jacques), Borgetto (Michel), Lafore (Robert) & Ruellan (Rolande)*, (2001), **Droit de la sécurité sociale**, Editions Dalloz, 14^{ème} edition, Paris.
- 4- Fleming (John), (1975), **Collateral Benefits**, in International Encyclopedia of Comparative Law, Vol. XI, Chapter 11.
- 5- Honore (A.M.), (1975), **Causation and Remoteness of Damage**, in International Encyclopedia of Comparative Law, Vol. XI, Chapter 7.
- 6- *Lamber-Faivre (Yvonne)*, (1998), **Le droit de la victime et le recours de la sécurité sociale**, JCP, ed. Gen., 1.110.
- 7- *Lambert-Faivre (Yvonne)*, (1996) **Droit du dommage corporel: systèmes d'indemnisation**, 3^{ème} éd., Dalloz.
- 8- *Le Tourneau (Philippe) et Cadiet (Loic)*, (2000), **Droit de la responsabilité civile et des contrats**, Dalloz.
- 9- *Levasseur (Georges)*, (1972), **Accidents du travail**, Répertoire de droit du travail, tome III, Éditions Dalloz.
- 10- *Lewis (Richard)*, (1999), **Deducting Benefits from Damages for Personal Injuries**, Oxford University press.
- 11- *Malaurie (Phillipe), Aynes (Laurent) et Stoffel-Munck (Philippe)*, (2003), **Droit civil, Les obligations**, Defrénois.
- 12- *Mazeaud (Henri, Leon et Jean) et Chabas (François)*, (1998), **Leçons de droit civil, T.II, 1^{re} vol.: Obligations**, 9^e ed., Montchristien.
- 13- *Mazeaud (Henri, Leon et Jean) et Tunc (Andre)*, (1979), **Traité théorique et pratique de la responsabilité civile delictuelle et contractuelle**, t.I et II, 6^e ed., Montchristien.
- 14- *Rogers (W.V.H.)*, (2002), **Winfield and Jolowicz on Tort**, 16th Ed.
- 15- *Saint-jours (Yves)*, (1982), **Traité de sécurité sociale, Tome III, Les accidents du travail**, Librairie Générale de Droit et de Jurisprudence, Paris.
- 16- *Savatier (René)*, (1950), **Traité de la responsabilité civile en droit français**, t.2, 2^e ed., Paris.
- 17- *Schafer (Julie A.)*, (1992), **The Constitutionality of Offsetting Collateral Benefits Under Ohio Revised Code Section 2317. 45**, Ohio State Law Journal, N. 53.
- 18- *Terré (François), Simler (Philippe) et Lequette (Yves)*, (1999), **Droit civil, Les obligations**, 5^e edition, Éditions Dalloz.
- 19- *Tunc (André)*, (1956), **note au Dalloz**, 1956, p. 69 et s.

از این نویسنده تاکنون مقالات زیر در همین مجله منتشر شده است:
«تعهد به فعل ثالث»، سال ۱۳۸۶، شماره ۱. «استرداد مزایای تأمین اجتماعی از محل دین مسئولیت مدنی (مطالعه تطبیقی)»، سال ۱۳۸۷، شماره ۱. «نقد و تحلیل قانون اصلاح قانون بیمه اجباری»، سال ۱۳۸۷، شماره ۴. «نقد مفهوم و آثار طلب مشاع»، سال ۱۳۸۸، شماره ۲.

